

نورالدین مقصودی

قالب مثلث در شعر فارسی

گویاترین و روشن ترین تعریفی که از قالب در شعر فارسی کرده اند چنین است: «صورتی که هر قطعه شعر، از حیث شماره مصراعها و منقسم شدن آن به چند دسته و گروه و ترتیب قافیه‌ها می‌پذیرد «قالب شعر» خوانده می‌شود»^۱.

در نظر گرفتن دو نکته در تکوین و ایجاد قالبهای شعر فارسی ما را به دو نوع تقسیم‌بندی ملزم می‌دارد. نکته نخست ثابت ماندن و قابل تعریف بودن یا ثابت نماندن و قابل تعریف نبودن آنهاست. بنابراین قالبهایی قابل تعریف است که در آنها نظم و ترتیب ثابتی مراعات می‌شود که در همه شعریکسان می‌ماند و تغییر نمی‌پذیرد مانند تمام قالبهای شناخته شده قدیم. قالبهای غیر قابل تعریف یا قالبهای آزاد، آنتهایی است که نظم بندها و ترکیب مصراعهای کوتاه و بلند و ترتیب قافیه‌ها صورت ثابتی ندارد، این گونه قالبها را تعریف نمی‌توان کرد و بر انواع مختلف آن نامی که موجب تشخیص یکی از دیگری باشد نمی‌توان نهاد^۲.

۱- دکتر پرویز نائل خانلری، شعروهنر، تهران (شرکت سهامی ایران چاپ) ۱۳۴۵،

۲- شعروهنر، ص ۲۶۴.

دوم دخالت داشتن وزن و قافیه در ایجاد قالب یا عدم دخالت وزن و تأثیر نقش قافیه تنها در آن است. بدین معنی که در ایجاد قالبهایی از قبیل قصیده، غزل، قطعه، مثنوی، مسمط، وترجیعات، تنها نقش قافیه مؤثر است. ولی در تکوین قالبهای دوبیتی و رباعی و مستزاد، قافیه تا به عنصر سازنده قالب نیست، بلکه از ائتلاف وزن و قافیه است که این قالبها به وجود می آید یعنی گذشته از ترتیب و وضع قرار گرفتن قافیه عامل وزن هم در آنها دخالت دارد^۳.

باتوجه به نکات مذکور قالبهای موجود شعر فارسی بصورتهای زیر درآمده است. نخست قالبهای ثابت و قابل تعریف که از آن جمله است قالبهایی که در ساختمان آنها تنها قافیه مؤثر است و قالبهایی که از ائتلاف وزن و قافیه - هر دو - به وجود آمده است. دیگر قالبهای غیر ثابت و غیر قابل تعریف یا به اصطلاح قالبهای آزاد.

این نکات و اشارات البته مبهم و کلی است خواننده این سطور برای روشن شدن موضوع در صورت لزوم بهتر است به کتابهای مربوط به این فنون مراجعه کند زیرا غرض نگارنده در این مقاله تشریح جزئیات ساختمان قالبهای شعر فارسی نیست بلکه می خواهم در کنار قالبهای ثابت و قابل تعریف شعر فارسی از قبیل قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، رباعی، دوبیتی، مسمط، ترجیع بند، ترکیب بند، مستزاد، و بحر طویل پارسی (= بحر طویل عامیانه)، به قالب ثابت و قابل تعریف دیگری اشاره کنم که با وجود سابقه نسبتاً طولانی که در میان آثار منظوم فارسی دارد - و در پهن دشت ادب فارسی راه دور و درازی را پیموده و بخصوص از اوایل مشروطیت به بعد، حتی تا به امروز، در میان اوراق زرین شعر فارسی جاوه گری کرده است - مورد بی توجهی و

۳- دکتر عبدالحسین زرین کوب، شعر بی دروغ، تهران (ابن سینا) ۱۳۴۶، ۱۲۱.

کم اعتنایی صاحب ذوقان قرار گرفته و در کتابهای موجود مربوط به قالبها و فنون شعر فارسی نامی از آن به میان نیامده است تا چه رسد به بیان شقوق و شعب و تشریح انواع آن.

در این مختصر خواهیم کوشید که این صورت از شعر را با سابقه موجود آن، با ذکر شواهد و بیان ویژگیهای هر یک، معرفی کنیم و تصویری گویا از قالب «مثلث» و گذشته و حال آن ارائه دهیم.

در جستجو از سابقه این قالب به نمونه‌هایی از سروده‌های زردشت برمی‌خوریم. زیرا قدیمترین نمونه شعر در کشور کهنسال ایران گائیه‌ها یا گاتها سرودهای منظوم زردشت پیامبر ایرانی و مناجاتها و درودهای او در پیشگاه اهورامزداست.

برخی از این سرودها به قطعه‌های سه‌لختی (سه‌شعری یا به اصطلاح امروز سه‌مصراعی) تقسیم شده است و هر لخت یا شعر از شانزده هجا تشکیل یافته است که در هجای نهم توقف (= سکوت) دارد^۴. در توضیح این نکته می‌گوییم هر یک از گاتهای پنجگانه از چند قطعه تشکیل یافته است که این قطعات از نوع ترکیب‌بند یا ترجیع‌بندهای بی‌برگردان یا به اصطلاح از نوع منقطعات است که گات اول به نام آهنود صد قطعه سه‌مصراعی دارد که هر مصرع آن دارای شانزده هجا است و گات چهارم به نام وهوخشتریست و دو قطعه سه‌مصراعی دارد که هر مصرع از آن شامل چهارده هجا است^۵.

از آن که بگذریم کلمه یا اصطلاح مثلث در مورد اشعاری هم که به سه‌زبان

۴- ملك الشعراء بهار، شعر در ایران، تهران و مشهد، گوتمبرگ، ص ۷۳.

۵- گاتها سرودهای زردشت، تألیف و ترجمه پورداود، از سلسله انتشارات انجمن

زرتشتیان ایرانی بمبئی و ابران لیک ۱۹۲۶، ص ۶۶-۶۷.

گفته شده باشد شهرت یافته است از قبیل مثلثات سعدی که به سه زبان فارسی، عربی، و لهجه محلی شیرازی یا (به قول استاد همائی) کازرونی است^۶.

خلیلی الهدی انجی و اصلح ولكن من هداه الله افلح
نصیحت نیک بختان گوش گیرند حکیمان پند درویشان پذیرند
کش اهن دارغت خاطر بریزت که تختی عاقلی ده بار ایزت^۷

مثلثات سعدی در کلیات او هجده بند سه بیتی است بطوری که مشاهده می شود در این جا گذشته از سه زبانی بودن این اشعار به سه بیت بودن (مثلث بودن) آنها نیز توجه شده است. مثلث را در این جا بطور عام به کار برده ام که هم شامل سه مصراعی هامی شود و هم سه بیتی هارا در بر می گیرد ولی چنان که در پایین اشاره خواهم کرد بیشترین نمونه های به دست آمده دارای سه مصراع است.

بهنگام بحث از قالبهای شعر فارسی به نوعی مسمط مثلث^۸ هم اشاره کرده اند که هم از ادب گذشته و هم از دوره معاصر نمونه های فراوانی برای این گونه مثلث در دست داریم که در جای خود خواهم آورد. «ممکن است عدد مصراعهای هر اخت [مسمط] کمتر یا بیشتر از شش مصراع باشد. پس به شماره مصراعها مثلا مسمط مثلث یعنی سه مصراعی ... می خوانند»^۹.

از نمونه های مثلث مسمط یکی از عراقی است:

۶- جلال الدین همائی، صناعات ادبی، تهران، علمی، ص ۲۲۱.

۷- کلیات سعدی، تهران، انتشارات جاویدان، ص ۵۱۴.

۸- صناعات ادبی، ص ۲۲۱.

۹- همان مآخذ، ص ۲۲۱.

مصراعها و برداشتن قافیه معهود پیشقدم بوده است، در قطعه شعری تحت عنوان «مدار افتخار» چنین می گوید:

آنها که چشم دوخته در زیر پای ما
مخفی کشیده تیغ طمع در قفای ما
مقصودشان تصرف شمس و قمر بود
حاشا به التماس بر آید صدای ما
ایرانی از نژاد خودش مفتخر بود^{۱۳}
نمونه دیگر قالب مثلث مسقط از عماد خراسانی شاعر غزلسرای معاصر است:

شامگاهی تیره چندی پیش دیدم دخترت را
دخترت را، آه آری دختر بی مادرت را
چشمش از چشم سیاهت داشت محزون یادگاری
دیدمش از دور چون گشتم ازین دیدن ندانم
سوخت عقلم، سوخت صبرم، سوخت جسمم، سوخت جانم
باز سرتاپا وجودم سوخت از دیگر شراری^{۱۴}

نمونه بعدی مثلث مسقط از ابوالقاسم حالت شاعر معاصر است که می گوید:

در آن ساعت که آمد ماه بیرون
وز او شد نقره گون صحرا و هامون
توهم باز آمدی ای ماه تابان
چو گمراهی که می جوید به شب ماه
که تا در پرتوش پیدا کند راه
ترای ای ماه می جستم شتابان^{۱۵}

۱۳- روزنامه آزادیستان، شماره سوم، ۲۱ شهریور ۱۳۴۱، ص ۲۱

۱۴- عماد خراسانی، ورقی چند از دیوان، ج ۱، ص ۲۰، ۲۱

۱۵- ابوالقاسم حالت، دیوان، تهران ۱۳۴۱، ص ۴۱۱

چنان که از نمونه‌های مذکور برمی‌آید همه این مثلث‌ها سه مصراعی است و هر چه به دوران معاصر نزدیکتر شده‌ایم نمونه‌های به دست آمده افزونتر شده است. صورت دیگری که از قالب مثلث به دست آمده اشعاری بابندهای سه مصراعی است که قافیه هر سه مصراع آن یکسان است و هر بندی برای خود قافیه مستقلی دارد بنابراین با هیچ یک از قالبهای شناخته شده شعر فارسی تطبیق نمی‌کند جز آن که مثلث است و سه مصراعی. ولی باید دانست که این صورت خود قالبی جزء قالبهای ناشناخته یا غیر مشهور شعر فارسی است - که بعضی عنوان «منقطعات»^{۱۶} و برخی نام «بی بند»^{۱۷} بر آن نهاده‌اند. و به نظر نگارنده نام «بی برگردان» برای آن مناسب تر است و در جای خود دلیل این نام گذاری را بیان خواهم داشت. و اگر فرصتی و توفیقی باقی باشد به معرفی آن نوع نیز خواهم پرداخت و ویژگیهای آن را بازگو خواهم نمود. عجالتاً به ذکر نمونه‌های موجود مثلث از این نوع می‌پردازم اولی از اشرف الدین حسینی، نسیم شمال است.

نته جان بی رخ معشوق چطور تاب بیارم

از کجا چادر و زوبنده و قلاب بیارم

از کجا و سسه و سرخاب و سفیداب بیارم

* * *

۱۶- رشید یاسمی، دیوان، تهران (ابن سینا) ۱۳۳۶، ص ۱۶.

۱۷- دکتر مهدی حمیدی، فنون و انواع شعر فارسی، چاپخانه خوشه ۱۳۵۱، تهران.

برده عقل از سر من حور لقا دختر کسی
دختر عالمه و فاضله خوش منظر کی
شده ام عاشق و در کینه ندارم زر کی^{۱۸}

بعد از اشرف الدین نسیم شمال دو نمونه از این نوع شعر از ابوالقاسم
حالت داریم که برای پرهیز از طول مقال فقط یکی از آن دورا در این جا
می آورم.

پیدا است ز آه گاه گاهت
بی مهری و سردی نگاهت
مرد دگری است دام راحت



مرد دگری دهد شکستم
یاری چو ترا که می پرستم
یکباره به در برد زدستم^{۱۹}

از عبدالحسین آیتی نیز نمونه ای داریم که خود عنوان ثلاثی بر آن داده
است:

گفتم مگرت پسته نهان در دهن است
سنگم به دهان زد که چه جای سخن است
گفتم بلی این جواب دندان شکن است^{۲۰}

۱۸- روزنامه نسیم شمال ، سال سیزده ، شماره ۳۰ .

۱۹- ابوالقاسم حالت ، دیوان ، ص ۲۷۰ .

۲۰- تذکره شعرای معاصر ، ج ۲ ، ص ۵ .

از قالبهای مختلط یا ترکیبی مثلث نیز چند نمونه در دست داریم که از آن جمله مثلث مستزاد، مثلث ترجیع بند، و مثلث ترکیب بند را می توان نام برد که برای کامل شدن این معرفی و گزارش قالب مثلث، خود را از آوردن آنها ناگزیر می بینم.

از قالب مثلث مستزاد دو صورت موجود است. صورت اول شعری است که از بندهای سه مصراع ترکیب یافته پس از پایان مصراع سوم پاره مستزاد قرار گرفته است یعنی در این نوع، سه مصراع، فقط يك پاره مستزاد دارد بدین ترتیب:

در نیمه های شام گهان آن زمان که ماه
 زرد و شکسته می دمدم از طرف خاوران
 استاده در سیاهی شیب مریم سپید

خاموش و سرگران

از قطعه مریم تولی شاعر معاصر است بطوری که مشاهده می شود این نوع، سه مصراع هم وزن دارد و در پایان يك پاره مستزاد که هیچ يك از مصراعها قافیه همانندی ندادند جز این که قافیه پاره مستزاد با قافیه مصراع دوم یکی است.

نمونه مشابه دیگر از این نوع، باز از تولی است به نام «عشق رمیده» که بندها اول آن چنین است:

در پای آن چنار کهن کز بسی زمان
 سر بر کشیده یکه و تنها میان دشت
 عشقی رمیده رفته ز افسردگی بخواب

غمگین ز سرگذشت^{۲۱}

۲۱- نمونه های شعری، گردآورده پرویز داریوش، از انتشارات سخن، تهران ۱۳۲۵،

اسماعیل شاهرودی هم قطعه شعری به نام «رشته‌های راز» در همین قالب و با همان ویژگی‌ها دارد که بندها اول آن را در این جا نقل می‌کنم :

قلبی است بی‌گناه به‌زندان سینه‌ای

محصور در میانه دیوارهای راز

از وحشت سکوت ملایم همی‌طپد

چونان نوای ساز^{۲۲}

نوع دوم از مثلث مستزاد بانوع اول آن فرقی فاحش دارد زیرا در این نوع همانگونه که از نمونه‌های زیر مشاهده می‌شود هر مصراع مثنای خود یک پاره مستزاد دارد یعنی در مجموع سه مصراع است با سه پاره مستزاد از نظر قوافی هم شایان توجه است زیرا در دو مصراع اول از این نوع، خود مصراعها بی قافیه است، قافیه تنها در پاره‌های مستزاد رعایت شده بطوری که پاره‌های مستزاد هم قافیه است اما در مصراع سوم خود مصراع و پاره مستزاد آن هم قافیه اند اینک مثال این نوع از ابوالقاسم حالت به نام «دوبیکاره» :

بنگر بدان گدا که چو بیمار محتضر

مشکل کشد نفس

جانی میان اسکلتی در شکتجه است

چون مرغ در قفس

گوید به حال زار من پیر ناتوان

رحمی کن ای جوان^{۲۳}

از مثلث ترجیع بندهم دو نمونه موجود است . در نمونه اول هر بندی سه مصراع دارد که یک بیت تمام و کامل در آخر آن ترجیع قرار می‌گیرد و در پایان هر بندی عیناً تکرار می‌شود ، سه مصراع اول هم قافیه و بیت برگردان

→

ص ۱۱۹ .

۲۲- مجله کویر ، شماره ۲۹ ، زمستان ۱۳۵۲ ، ص ۲۹

۲۳- دیوان حالت ، ص ۹۰ .

هم مصرع است یعنی دو مصراع آن قافیۀ همانندی دارد و مجموعاً هربندی
بابرگردانش دارای پنج مصراع می باشد. از لاهوتی کرمانشاهی است:

صف کشید ای عشقبازان

دف زیند ای دفنوازان

ردهید ای قد فرازان

دلبر ما گشته رقصان

کف بکوبید ای حریفان

هان به راهش گل بیارید

زیر پایش سر گذارید

پیش قدش جان سپارید

دلبر ما گشته رقصان

کف بکوبید ای حریفان^{۲۴}

نمونه دیگر از همین نوع شعر، باز از خود لاهوتی است:

دیدم ترا زشادی از آسمان گذشتم

جانان من که گشتی دیگر زجان گذشتم

آخر خودت گواهی من از جهان گذشتم

بی تو کنون سرای درد است خانه من

خورشید من کجایی؟ سرد است خانه من^{۲۵}

نوع دوم از مراثی ترجیع بند، شعری است که هربندی از آن فقط

سه مصراع دارد و مصراع سوم بعنوان ترجیع در پایان بندها که از دو مصراع

۲۴- لاهوتی کرمانشاهی، منتخب دیوان لاهوتی، چاپ مسکو، ص ۳۷۴.

۲۵- منتخب دیوان لاهوتی، ص ۳۴۸.

تجاوز نمی کنند ، تکرار می گردد بعبارت دیگر هر بندی يك بیت است و ترجیع آن يك مصراع و مجموع بند و ترجیع ، سه مصراع . تنها نمونه به دست آمده از این نوع از ابوالقاسم حالت است :

آفتاب است در کنار مرا

ماهتاب است هم جوار مرا

هر زمانی که با تومی رقصم

تن من جفت گشته با تن گل

دست دارم میان خرمن گل

۲۶ هر زمانی که با تومی رقصم

از مثلث ترکیب بندهم دو نمونه بیشتر نداریم. نمونه اول دارای بندهای سه مصراعی است که دو مصراع اول آن هم قافیه است و مصراع سوم قافیه جداگانه ای دارد بدین صورت :

رسم سخن شد خراب ای ملک ملک شعر

نوح صفت زن بر آب ، کاین فلکی فلک شعر

بحرش بچران فزا است ، طوفانش نا خداست

عالم و هر چه در اوست در روش جوهری است

زیر وزبر مفز و پوست ، در طلب برتری است

۲۷ وزپی کسب کمال ، جمله به جنگ وجدال

نکته قابل ملاحظه در این شکل شعر آن است که مصراع سوم یا به اصطلاح

ترکیب بند (= برگردان) دولختی است که دولخت آن هم قافیه است .

۲۶- دیوان حالت ، ص ۴۰۳ .

۲۷- دیوان بهار ، ج ۱ ، ص ۲۲۵ .

نوع دوم از مثلث ترکیب بند شعری است که هر بند آن دارای سه مصراع هم قافیه است و در پایان هر بندی يك بیت بعنوان بند ترکیب با قافیه جداگانه‌ای که در هر بند تغییر می‌کند آورده شده است. نمونه بسیار نادر این نوع از عماد خراسانی است که دو بند از آن در زیر آورده می‌شود:

آمدی رفتی ، دلی پردی به بازی باز از من
باز آهنگ نوی کردی نگارا ساز از من
خواستی آهنگ بد فرجام خوش آغاز از من

نرگس مست تونازم راستی را کرد کاری

از خزان آرزویی ساخت روح افزا بهاری

دیر گاهی پرده‌های ساز عاشق ساز ما را

بالهای مرغ مجنون فلک پرواز ما را

چرخ دون بشکسته بود و در گلو آواز ما را

تو در باغی ز نو بردشت حرمان باز کردی

حیف تا دیدم ترا چون خواب خوش پرواز کردی^{۲۸}

از جعفر خامنه‌ای و تقی رفعت دو تن از شاعران آذربایجانی که هر دو از

طرفداران سرسخت تجدید ادبی در دوران خویش بوده‌اند ، دو نمونه مثلث

باقی مانده است که از لحاظ قافیه بندی با هیچ يك از نمونه‌های ارائه شده

پیشین قابل تطبیق نیست و برای تمامت بحث آنها را نیز در این جامی آورم :

از جعفر خامنه‌ای :

محصور عدو یا خود اگر راست بگویم

ای شیر ! زبون کرده ترا روبه ترسو

شمشیر جفا آخته روی تو ز هر سو

۲۸- ورنه چند از دیوان عماد خراسانی ، تهران (ابن سینا و صفی علی شاه) ۱۳۴۱ ،

تا چند بخوابی ؟ بگشا چشم خود از هم
 برخیز یکی صوت شیرانه نشان ده
 یا جان‌بستان یا که در این معرکه جان‌ده^{۲۹}

در نمونه مذکور بطوری که دیده می‌شود ، قافیه مصراع اول آزاد است
 ولی مصراع دوم و سوم قافیه همانندی دارد .
 از تقی رفعت :

یک فصل تازه می‌دمد از بهر نسل نو
 یک نوبهار بارور ، آبستن درو
 برخیز و حرز جان‌بکن این عهد نیک فال



برخیز و باز راست کن آن قد تهمتن
 برخیز و چون کمان که به زه کردشست زال
 پرتاب کن به جانب فردات جان و تن^{۳۰}

همانگونه که مشهود است در این شعر که مثلث (سه مصراع) است در
 بند اول ، دو مصراع اول و دوم هم قافیه است و مصراع سوم آزاد ، در بند
 دوم مصراع‌های اول و سوم هم قافیه است و مصراع دوم (مصراع وسطی)
 قافیه آزاد دارد . این کار یعنی عوض کردن جای قافیه و تفنن در کاربرد
 قوافی در قسمتی از شعر معاصر نوعی تجدد به حساب می‌آمده است که بحث
 در آن باب نیز مستلزم فرصتی دیگر است .

قالب مثلث یا اشعار سه مصراعی در آثار شاعران نوپرداز یا بنابه اصطلاح

۲۹- تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران ، تألیف ادوارد براون ، ص ۳۱۹ .

۳۰- روزنامه تجدد ، تبریز ، شماره نوزدهم ۱۲۹۷ .

در شعر نو این دوره شواهدی دارد که از آن جمله است قسمت‌هایی از شعر
«ستاره‌دور» نادر نادرپور:

تصویرها در آینه‌ها نعره می‌کشند
مارا ز چارچوب طلایی رها کنید
مادر جهان خویشتن آزاد بوده‌ایم

* * *

دیوارهای کورکهن ناله می‌کنند
مارا چرا به خاک اسارت نشانده‌اید
ماخشته‌ها به خامی خود شاد بوده‌ایم^{۳۱}

یا شعر بهار خرد از مصطفی رحیمی:

لبخند غنچه‌های تو نشکفت دردم
مهتاب دلکش تو به چشم سیاه ماند
پرواز شعله‌های تو در روح من فسرده

* * *

آتش فشان سینه‌من باغ بیدنیست
تابان‌سیم ، بردم‌دش شعله‌های سبز
تا با پیام باد ، تواند که دل سپرد^{۳۲}

یا شعر «غزلی به شکرانه سلامت تو» از منصور اوجی:

۳۱- سال دهم ، مجله سخن .

۳۲- مجله سخن ، سال سیزده ، شماره اول .

من با صفای نیت خود گریه می‌کنم
گر دشتهای پر گل یادت از غم تهی است
جایی که دشتهای همه سرشار از غم است

* * *

من با صفات نیت خود گریه می‌کنم
گر چشمه سار پیکرت از عطریخ پُر است
جایی که چشم گل همه در راه شب‌نم است

یا شعر «شبانه» از احمد شاملو:

شب که جوی نقره مهتاب
بیکران دشت را دریاچه می‌سازد
من شرع زورق اندیشه ام را می‌گشایم در مسیر باد

* * *

شب که آوایی نمی‌آید،
از درون خامش نیز ازهای آبگیر ژرف
من امید روشنم را همچو تیغ آفتابی می‌سرایم شاد^{۳۴}
اگرچه در شعر آزاد، تساوی طولی مصرعها رعایت نمی‌شود و قافیه
به گونه‌ای دیگر ظاهر می‌گردد و اصولاً تلقی از مصرع غیر از مفهومی است که
در آثار سنتی معمول است، باز این نمونه‌ها از نظر دارا بودن سه مصرع متوالی
دیدۀ جستجوگر علاقه‌مند را به جانب خود می‌کشاند.
نکاتی را که در پایان این مقال لازم به ذکر می‌دانم نخست آن است که

۳۲- راهبان شعر امروز، ص ۷۰.

۳۴- راهبان شعر امروز، ص ۸۷.

مشاهده صورتهای مختلف دیگر از شعرهائی که ظاهراً سه لخت دارد از این قبیل که در دیوان ملك الشعراء بهار می بینیم:

سرمد شعرى كه گفتى خوب بود
صاف و بى تعقيد و خوش اسلوب بود
مطلبش مطلوب بود

ليك تاريخى كه گفتى سربسر
باحقيقت جفت نامد در نظر
فكر كن باردگر^{۳۵}

یا:

گوش کن ای بلبل شیرین سخن
ای گل خوش نکهت باغ وطن
ماجرای خویشتن

روزگار باستان خویش را
باستانی داستان خویش را
سربه سر بشنوز من^{۳۶}

ممکن است سبب شود عده ای آنها را جزء مثلث به حساب آورند ولی باید دانست که این نمونه ها یکی از انواع مستزاد است که بحث در آن باره مجالى دیگر مى خواهد و بطور اجمال و خلاصه باید گفت اگر در این نمونه ها لخت سوم از نظر وزن و افعیل عروضی کوتاهتر از دو مصراع اول و دوم نبود آن وقت مى توانستیم اینها را هم مثلث به حساب آوریم.

دیگران که قالب مثلث با انعطاف و سهولتى که دارد همانگونه که از تمامی شواهد ارائه شده بر مى آید، یکی از نرمترین و سادهترین و مستعدترین قالبها برای بیان بسیاری از موضوعات مفصل در لباس شعر است و در پاره ای از موارد مى تواند بمانند قالب مثنوی برای بیان موضوعات طولانى مورد استفاده شاعران قرار گیرد.

۳۵- ملك الشعراء بهار، دیوان، تهران، ۲۳۲، ص ۲۲۲.

۳۶- دیوان بهار، ص ۲۴۷.

نکته آخر آن که برای پرهیز از طولانی بودن سخن و انباشته شدن شواهد از هر قطعه شعری يك و در بعضی موارد دو بند بیشتر نیاورده ام و گمان می کنم همین مقدار برای اثبات مطلب کافی باشد اما اگر خواننده علاقه مندی بخواد تمامی شعر را مطالعه کند با مراجعه به مآخذ یاد شده این کار برای او میسر خواهد شد .



رویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برای اطلاع بیشتر از این نشریه و نحوه عضویت و اشتراک، لطفاً به آدرس زیر مراجعه فرمایید.
 The Department of Linguistics, Faculty of Letters, University of Tehran, Tehran, Iran.
 nature of scientific Linguistics was defined by Jakobson (1940).
 Thomas James Barnet, ELLEN KILGUS, LINGUISTICS
 ZAVALEVA (1981) K. Contrastive Linguistics Journal
 University of Cambridge, Cambridge, England. 201
 10-81